

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عزت آهنگر "نیزک"

29 اپریل 2013

بهار غرب

من نمیدانم چرا امسال خاموش است بهار
باز ترفند دگر یا حلقه در گوش است بهار
خواب راحت کرده زیر بارش یخپاره ها
یا که در متنش به نیرنگی هماغوش است بهار

سفره نوروز را تقسیم با یخپاره کرد
غنچه بشگفته را سرما زد و بیچاره کرد
لرزه بر اندام گلبزرگ شقایق داده باد
خرمن نرگس دو چشمش پرتگرگ ژاله کرد

این بهاری نیست، کو لبخند گل اندر چمن؟
سبزه زاری نیست، کوه یخ بود دشت و دمن
غنچه زخم آلود و دردآگین مینالد به شاخ
وای زین سرمای دی، کی می رود از قلب من

این بهار همچون دل من پر ز درد و ماتم است
در مسیر حرکتش یخپاره ها سنگ غم است
میمکد خون شقایق میخراشد قد سرو
ریشه این بدسگالی در نهاد آدم ست

این نقطه آبی همه یخبندان است
نوروز پر از تگرگ و دردمندان است
در مزرعه لاله و نرگس بِنِگر
زخمی و مریض شکوفه در زندان است

اینجا نه بهار آمده، دی برگشته
با برف و یخ و ناله نی برگشته
مرغان مهاجر همه سرگشته دهر
مستی و طرب ز جام می برگشته